

ساخت و کارکرد شهر مرزی انطاکیه در مناسبات ایران و روم در دوره ساسانی

فرج اله احمدی^۱

دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تهران

پرویز حسین طلائی^۲

دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه تهران

(از ص ۱۳ تا ۳۲)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۳/۱۸ تاریخ پذیرش قطعی: ۹۲/۵/۷

چکیده

انطاکیه از جمله شهرهایی است که به واسطه موقعیت ژئوپلیتیکی از زمان تأسیس آن در دوره سلوکیان تا اواخر دوره ساسانی همواره عرصه رویارویی و تنش میان قدرت‌های بزرگ عصر باستان بوده است. تعلیل و تبیین ساخت و کارکرد شهر انطاکیه و ابعاد حائز اهمیت این شهر در عصر باستان، روشننگر تاریخ بخشی از مناسبات ایران و روم و کشمکش‌های مرزی آن هاست؛ کشمکش‌های مرزی‌ای که بر تحولات داخلی دو قدرت رقیب تأثیر بسیاری بر جای گذاشته است. مقاله حاضر با توجه به اهمیت مسئله، بر آن است که با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، ساخت و کارکرد شهر انطاکیه در مناسبات ایران و روم در دوره ساسانی، را مورد واکاوی قرار دهد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که ساخت و طرح شهر انطاکیه شطرنجی بوده و اهمیت سیاسی- نظامی، اقتصادی- تجاری و مذهبی آن، برخاسته از موقعیت ژئوپلیتیکی آن بوده است. رومیان از این شهر به عنوان مقر فرماندهی و محلی برای بازسازی نیروها استفاده می‌کردند. این شهر در مسیر راه تجاری ابریشم قرار داشت و موقعیت تجاری و اقتصادی آن برای ساسانیان و رومیان از اهمیت زیادی برخوردار بود. علاوه بر این، انطاکیه به عنوان یکی از شهرهای مهم مسیحی نقش مؤثری در انتقال این آیین در شرق داشت. ساسانیان نیز با دستیابی به این شهر به استراتژی مؤسس ساسانیان یعنی دستیابی به سرزمین‌های هخامنشیان نزدیک می‌شدند؛ چنان که پس از تصرف آن به عنوان بخشی از قلمرو خود، درصدد ایجاد آتشکده در این شهر مرزی بودند. از لحاظ اقتصادی و تجاری تصرف این شهر برای دو قدرت عصر باستان، جدا از سود حاصل از واقع شدن آن در سر راه مبادلات بازرگانی، به منزله دست‌یابی به غنایم هنگفت و نیروهای مولد این شهر نیز بود.

واژه‌های کلیدی: ساخت، کارکرد، انطاکیه، ساسانیان، روم

fahmadi@ut.ac.ir

parviztalae@gmail.com

^۱ . رایانامه نویسنده مسئول:

^۲ .

۱. مقدمه

در عصر باستان، معمولاً پس از ساخت هر شهری، اسم پادشاه به آن شهر تعلق می‌گرفت یا آن شهر را به افتخار ایزد یا شخصی نام‌گذاری می‌کردند. انطاکیه از جمله این شهرها می‌باشد که با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی آن به وجود آمد. پس از مرگ اسکندر، جانشینی او بین سردارانش در منازعات طولانی گذشت؛ از جانشینان اسکندر، سلوکوس پس از غلبه بر آنتی‌گون در سال ۳۰۱ پیش از میلاد در ایپسوس، سوریه و بخش عمده آسیای صغیر را بر قلمرو وسیع آسیایی خود افزود. سپس به افتخار پدرش اقدام به تأسیس شهر انطاکیه کرد (Zetterholm, 2003: 19; Malalas, 1986, book 8: 106). والاس هادریل معتقد است که در واقع این اقدام سلوکوس در ادامه طرح وی برای تضمین کنترلش بر شمال غربی سوریه بود (Wallace-Hadrill, 2008: 1). سندول نیز می‌نویسد؛ این اقدام سلوکوس بخشی از طرح وی در هلینیزه کردن منطقه بود (Sandwell, 34). در اواخر دولت سلوکی که با دوره ضعف و فترت آنها نیز همراه بود، این شهر ابتدا به تصرف تیگران پادشاه ارمنستان افتاد، چنان‌که ژوستین در کتاب خود می‌نویسد با توجه به هرج و مرجی که در اواخر سلطنت سلوکی‌ها پیش آمده بود، سوری‌ها خواستار دعوت از بیگانگان بودند که آرامش را به سوریه بازگرداند؛ بنابراین تصمیم گرفتند از تیگران، پادشاه ارمنستان، دعوت کنند و وی بدون هیچ مزاحمتی سوریه و انطاکیه را گرفت (Justin, book XL, I). تیگران سپس انطاکیه را پایتخت بخش‌های جنوبی قلمرو خود قرار داد (الچبیگان، ۱۳۸۲: ۱۲۳). در ادامه و پس از شکست ارمنی‌ها توسط پومپه در سال ۶۴ پیش از میلاد، انطاکیه به تصرف رومی‌ها درآمد. با قدرت گرفتن اشکانیان در شرق، رومی‌ها با اشکانیان هم‌مرز شدند. بنابراین تصادم منافع در مرزها باعث شد درگیری‌هایی میان این دو قدرت دوره باستان به وجود آید. در جریان درگیری‌هایی که میان اشکانیان و روم درگرفت، اشکانیان برنامه‌ای جدی برای تصرف سوریه به ویژه انطاکیه نداشتند. به نظر می‌رسد که این امر به خاطر درگیری‌های داخلی اشکانیان بر سر به دست آوردن تخت سلطنت بود. البته رومیان نیز به هیچ عنوان نمی‌توانستند رقیبی مانند پارت را در استان تازه تأسیس خود جدید (سوریه) که توسط پومپه به وجود آمده بود، تحمل کنند؛ زیرا به واقع رومیان پایگاه خود را در شرق از دست می‌دادند. در رابطه با شهر انطاکیه، منابع شرقی (کتیبه‌های شاپور و کرتیر در کعبه زردشت و نقش رستم و هم‌چنین منابع اوایل دوره اسلامی مانند طبری، بلعمی، مسعودی، ابن‌اثیر) و غربی (یونانی-رومی مانند ژوستین، استرابو، دیوکاسیوس، هرودیان، آمیانوس مارسلینوس، مالالاس، پروکوپئوس) اطلاعات مفیدی ارائه می‌دهند. پژوهش حاضر بر اساس منابع فوق و استفاده از تحقیقات جدید انجام پذیرفته است. به نظر

می‌رسد که دوری این سرزمین از قلمرو ایران دوره ساسانی، باعث شده است که این شهر کمتر مورد توجه مورخان و محققان ایرانی قرار گیرد. باستان پژوهان جدید در غرب نیز کمتر به تاریخ این شهر و جایگاه آن در مناسبات ایران و روم پرداخته‌اند. قابل ذکر است که در آثاری مانند طبری (طبری، ۱۳۷۵: ۴۹۶)، ابن اثیر (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۱۹)، مسعودی (مسعودی، ۱۳۶۵: ۱۰۷؛ نیز گردیزی، ۱۳۶۳: ۵۹)، آنتیوخوس را مؤسس شهر انطاکیه می‌دانند؛ در این باره لازم است که گفته شود در زمان پادشاهی آنتیوخوس چهارم (اپیفانس)، این شهر به اوج شکوفایی خود رسید، چنانکه وی درصدد ساخت قسمتی از شهر برآمد و آن بخش به نام خودش (اپیفانس) نیز نام‌گذاری شد. شاید همین عامل باعث به وجود آمدن این شائبه باشد که این شهر توسط شخصی به نام آنتیوخوس (پدر سلوکوس یا آنتیوخوس چهارم) به وجود آمده است؛ (Malalas, Zetterholm, 2003: 21)؛ 108: 8 (1986, book 8). غیر از این عامل به نظر می‌رسد منابع شرقی از روی تشابه نام شهر با آنتیوخوس، چنان که در ایران مرسوم بوده، ساخت این شهر را به آنتیوخوس نسبت داده‌اند، در حالی که منابع کلاسیک یونانی و رومی ساخت این شهر را به سلوکوس نسبت داده‌اند. پس از تسلط رومیان بر قلمرو سلوکی‌ها این شهر عرصه کشمکش‌های طولانی ایران و روم گردید. این که این شهر دارای چه ساخت و کارکردی بوده و در دایره رقابت‌های ایران و روم دارای چه اهمیتی بوده است، پرسشی است که این نوشتار درصدد پاسخ‌گویی به آن است.

۲. موقعیت جغرافیایی انطاکیه

شهرهای زیادی توسط پادشاهان هلنی به نام انطاکیه نام‌گذاری شده است اما معروف‌ترین و مهم‌ترین آنها شهر انطاکیه ای است که در سوریه و ساحل چپ رود ارونسس (Orontes) است که با دریای مدیترانه فاصله زیادی ندارد. استرابو موقعیت جغرافیایی این شهر را در کتاب خود بدین صورت آورده است: «انطاکیه شهری متوسط در ساحل مئاندر است و نزدیک فریگیه قرار دارد» (Strabo, Book XIII, Chapter 4: 15). سلوکوس محل استراتژیک بین رودخانه ارونسس و دامنه شمال غربی کوه سیلیپیوس (Silipius)، حدود چهارده مایلی سواحل سوریه و در فاصله ۲۵۰ مایلی شمال بیت‌المقدس را به عنوان محل شهر انطاکیه قرار داده (Najim and Frazier; malalas, 1986, book 2: 14) و سپس آن را به عنوان پایتخت غربی امپراتوری سلوکی انتخاب کرد.



موقعیت جغرافیایی شهر مرزی انطاکیه:

<http://www.numisology.com/Antioch.htm>

به گفته بیکرمان، سلوکوس با این اقدام مسیر تاریخ ایران را تغییر داد. شاهنشاهان ایران پیش از این از همدان یا شوش بر شاهنشاهی فرمان می‌راندند (بیکرمان، ۱۳۸۳: ۱۰۲). در مورد شهر انطاکیه آمده است: «انطاکیه شهری است «زیبا و بزرگ» و همراه با رم، اسکندریه و قسطنطنیه یکی از چهار شهر بزرگ جهان روم بوده و شهرتش در همه جا گسترش یافته است» (Raffaella, 2007: 27). زتروم نیز در کتاب خود از این چهار شهر به عنوان شهرهای خواهر یا دوقلو نام می‌برد (Zetterholm, 2003: 19). ژوزفوس مورخ معروف یهودی نیز انطاکیه را از لحاظ بزرگی و شکوه بعد از روم و اسکندریه، سومین شهر بزرگ آن روزگار می‌داند (Josephus, 2008, Book 2: 17).

۳. ساخت شهر انطاکیه

درباره ساخت و طرح شهرهای باستان بایستی خاطر نشان کرد که آگاهی ما از طرح‌های شهری در آن دوران اندک است و منابع و مآخذ کافی در این زمینه در دست نیست و تنها به وسیله غور و پژوهش در نوشته‌های مورخان آن دوره و یافته‌های باستان‌شناسان می‌توان تا حدودی به شرحی درباره برخی از شهرهای باستانی رسید. بر طبق متون تاریخی قرون نخستین اسلامی و منابع پهلوی شاهنشاهان ایران به طرح‌های شهرسازی علاقه‌ای شدید داشته‌اند و درگیری‌های مداومی که میان ایران و روم رخ داد، منجر به تبادل اطلاعاتی از سرزمین‌های یکدیگر مانند معماری و شهرسازی و غیره شده است. بنابراین منابعی که به شرح وقایع این شهرها پرداخته‌اند، اطلاعاتی در مورد شکل شهر انطاکیه نیز به دست می‌دهند.

شکل شهر به بیان لینچ بر اساس سه عامل مصنوع، طبیعی و انسانی ایجاد می‌شود (لینچ، ۱۳۸۱: ۳). معمولاً شکل شهر را بر اساس شبکه‌ها و جریان‌های ارتباطی تعریف می‌کنند، شهر می‌تواند دارای شکلی شطرنجی، و یا خطی باشد. تقریباً اکثر منابع ایرانی - اسلامی

به شکل شطرنجی شهر انطاکیه اشاره کرده‌اند. از مزایای شهرهای شطرنجی شکل، گسترش این گونه شهرها در جهات مختلف حتی در زمین‌های با شیب تند یا کم، دسترسی آسان و یکسان شهر به نور خورشید، مصرف انرژی و قابلیت دید و جریان‌های باد (تهویه طبیعی) بوده است؛ علاوه بر آن، کاربرد این شکل در طراحی شهری کم هزینه‌تر و از لحاظ ساختمانی دارای استحکام بیشتری است (Morello; Ratti, 2007: 119-122). از معایب شهرهای شطرنجی می‌توان به عدم وجود مرکزیت، عدم وجود سلسله مراتب دسترسی، عدم وجود تنوع در بافت شهر اشاره کرد. در منابع شرقی در مورد فتح شهر انطاکیه توسط شاهنشاهان ایرانی سخن به میان آمده، اما تنها دو شاه ایرانی، شاپور اول و خسرو اول، پس از فتح این شهر به خاطر جذابیت‌ها و مشخصه‌هایی که شهر مذکور داشت، در صدد آمدند، طبق این شهر، الگویی را در نزدیک پایتخت خود، ایجاد کنند. چنان که آمده است در قرن سوم میلادی (۲۵۸ یا ۲۶۰ م)، هنگامی که والرینوس از شاپور اول شکست خورد و «انطاکیه» به دست شاپور ویران شد، مردم «انطاکیه» که در بین آنها مهندسان، هنرمندان، پزشکان، پیشه‌وران و کشیشان نیز بودند به عنوان اسیر به ایران انتقال داده شدند و شهری تازه را که کاملاً شبیه «انطاکیه» بود بنا نهادند؛ این شهر «جندی‌شاپور» یا «به از انطاکیه» نام گرفت (Dodgeon & Lieu, 2005: 246). بنابراین از طریق الگویی که برای ساخت شهر جدید در منابع آمده، می‌توان تا حدودی به طرح شهر انطاکیه پی برد؛ چنان که درباره ساختن شهر انطاکیه توسط شاپور اول آمده است: «به از اندیو شاپور جندیوشابورست از خوزستان، اندیو نام انطاکیه است به زبان پهلوی به از اندیو، یعنی از انطاکیه بهتر است و نهاد آن بر مثال عرصه شطرنج نهادست میان شهر اندر، هشت راه اندر هشت، و در آن وقت شطرنج نبود، و لیکن شکلش بر آن سانست» (اصفهانی، ۱۳۴۶، ۴۷؛ مجمل‌التواریخ و القصص، بی تا: ۶۴). انوشیروان نیز در ساخت شهری به سبک انطاکیه سوریه، شاید از شاپور یکم الهام گرفته بود؛ در شاهنامه، تاریخنامه طبری (بلعی، ۱۳۷۸، ۶۸۶) و طبقات ناصری (جوزجانی، ۱۳۶۳: ۱۶۵) آمده که نقشه شهر انطاکیه را به دستور خسرو بر روی کاغذی کشیدند تا در نزدیکی تیسفون به ساخت شهری به همان سبک بپردازند (Procopius, BOOK II, XIV: 2-8). چنان که درباره ساخت شهر انطاکیه توسط خسرو انوشیروان اول آمده است: «از آن پس که سال‌ها پادشاهی کرد و ملک نظام گرفت و ولایت‌ها به اطاعت آمد به سوی انطاکیه رفت که سران سپاه قیصر آنجا بودند و شهر را بگشود و بگفت تا شهر انطاکیه را به مسافت و تعداد منازل و راه‌ها و هر چه در آن بود به نقشه آرند و پهلوی مداین شهری همانند آن بسازند و شهری را که نام رومیه گرفت به صورت انطاکیه بساختند و مردم انطاکیه را بیاورد و در آنجا مقر داد؛ و چون از در شهر درون شدند مردم هر خانه به خانه‌ای شدند همانند آنچه در انطاکیه داشته بودند، گویی از آن برون نشده بودند»

(طبری، ۱۳۷۵: ۶۴۹؛ یعقوبی، ۱۳۷۱: ۲۰۳). ابن اثیر نیز در مورد تقسیم بندی شهر به پنج ناحیه اطلاعات ارزشمندی را در اختیار ما می‌گذارد (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۶۱).

مسعودی در کتاب خود به مصالح به کار رفته در ساخت شهر انطاکیه نزدیک (در نزدیک تیسفون) به تقلید انطاکیه دور (سوریه) اشاره می‌کند (مسعودی، ۱۳۷۴: ۲۶۰) وی هم چنین در کتاب خود، شرحی مفید از ساخت شهر انطاکیه دور (در سوریه) به دست می‌دهد که می‌توان تا حدودی به طرح شهر انطاکیه دست پیدا کرد: «بنای باروی شهر به دشت کوه یکی از عجایب جهان بود طول بارو دوازده میل بود و یکصد و سی و شش برج و بیست و چهار هزار کنگره داشت و هر برج را محل یکی از به طریقان کرده بود که با سرباز و اسبان خود در آن جای داشت و هر برج تا بالا چند طبقه بود که طویله اسبان بپائین و روی زمین بود و سربازان در طبقات بالاتر و بطریق از همه بالاتر بود و هر برج چون قلعه درهای آهنین داشت و آثار درها و جای آهن تاکنون یعنی به سال سیصد و سی و دو نمودار است آنگاه از چشمه‌ها و غیر چشمه‌ها آب بشهر آورد که نمی‌شد آب را از بیرون قطع کرد و به وسیله کاریزها آب را به خیابان‌ها و خانه‌ها رسانید من در آنجا دیده‌ام که در مجرای معمولی آب که سفال است رسوب آب سنگ مانند شده و روی هم متراکم شده و مجری بسته شده و مانع جریان آب بود و آهن بشکستن آن کارگر نبود» (مسعودی، ۱۳۷۴: ۲۹۷-۲۹۶).

نویسندگان این حوزه با مطالعاتی که انجام داده‌اند، به تخمینی از جمعیت انطاکیه در دوران ساسانی و روم دست زده‌اند: انطاکیه در این زمان، قطعاً با زمان دیگر آن تفاوت داشته است و جمعیتی بالغ بر ۱۵۰۰۰۰ نفر داشته است، و احتمالاً همین تعداد در حومه زندگی می‌کرده است. این علاوه بر جمعیت روستانشینی بوده است که در روستاها ساکن بوده و جمعیت بالایی را به خود اختصاص داده بوده‌اند. به رغم تحقیقات بسیاری که در مورد سلسله کوه آهکی انجام شده است، به پژوهش‌های بیشتری در این حوزه نیاز می‌باشد. چالنگو (Tchalenko) بر این باور است که کوه آهکی تا قبل از حمله‌ی ایرانیان در اواسط قرن ششم میلادی شکوفا بوده است و احتمالاً در زمان ساسانیان افول کرده است. تحقیق تات (Tate) نشان می‌دهد که سکونت در اواخر قرن پنجم میلادی به اوج خود رسیده و در اواسط قرن ششم به میزان قابل توجهی کاهش پیدا کرده است. اخیراً، فاس (Foss) نوشته است که ترکیب حمله به همراه طاعون باعث کاهش جمعیت در قرن ششم و آمدن مسلمانان در سال ۶۳۰ میلادی شده است. ولی ترامبلی (Trombley) خوش‌بین‌تر است و با استفاده از داده‌های کتیبه‌ها، به این نتیجه می‌رسد که این منطقه جمعیت کشاورزان سوری بسیاری را در خود جای داده است و فرآیند عرب شدن در قرن دوازده میلادی رخ داده است. به اعتقاد لیبشوتز (Liebeschutz)، چند مسئله مثل طاعون، زلزله، و حمله‌ی ایرانی‌ها باعث کاهش

جمعیت شمال سوریه به ویژه در سال ۵۵۰ میلادی شده است که همین عوامل باعث کم‌رنگ شدن نفوذ رومی‌ها و نیز باعث آسیب‌پذیری این منطقه از سوی اعراب مسلمان شد (Decker, 2007: 235-236-237).

سرمایه‌گذاری در کانال‌های آبیاری، مسیرهای ارتباطی و بسط سکونت به زمین‌های بلند اطراف شهر انطاکیه همگی نشان دهنده‌ی افزایش جمعیت و بهره‌وری کشاورزی و تجارت است. کاهش زیاد تعداد جمعیت هم می‌تواند به این دلیل باشد که حومه‌ی انطاکیه، در اواخر روزگار باستان بسیار توسعه یافته بود و در پایان قرن هفتم، احتمال جابجایی جمعیت شهر انطاکیه به آنجا (حومه‌ی انطاکیه) را نشان می‌دهد (Ibid: 252).

۴. کارکرد شهر انطاکیه در مناسبات ایران و روم^۱

انطاکیه با توجه به موقعیت جغرافیایی که داشت، در مناسبات ایران و روم نقش و کارکرد عمده‌ای را در دوره ساسانی ایفا کرد؛ چنان که همواره مورد کشمکش این دو قدرت باستانی بوده است.

در واقع، می‌توان گفت که دست‌یابی شاهنشاهان ساسانی به انطاکیه، در لشکرکشی‌های خود به غرب، به همان اندازه اهمیت داشت که امپراتوران رومی در لشکرکشی‌هایشان به شرق درصدد دست‌یابی به تیسفون بودند. بنابراین با توجه به این که این شهر بیشتر اوقات در دست روم بود؛ این سؤال قابل طرح است که دست‌یابی به انطاکیه چه اهمیتی برای ساسانیان داشت و شاهنشاهان این سلسله در این راستا تا چه اندازه‌ای به اهداف خود رسیدند و از دیگر سو دست‌یابی ساسانیان به این منطقه چه تهدیداتی را برای رومیان در پی داشت؛ برای پاسخگویی به این سوالات، می‌توان به کارکرد سیاسی و نظامی، اقتصادی و تجاری و مذهبی این شهر اشاره کرد که در زیر به صورت جداگانه به آنها پرداخته می‌شود.

۱. راجع به کاربرد کلمه رومیان، دولت روم، بیزانس و روم شرقی در این پژوهش یادآوری این نکته لازم است که در سال ۲۸۵ میلادی دیوکلسین (۲۸۴-۳۰۵ م.) امپراتوری روم را از نظر اداری به دو بخش شرقی و غربی تقسیم کرد؛ در زمان کنستانتین (۳۰۶-۳۳۷ م.) نیز مرکز اصلی امپراتوری از روم به بیزانسیوم که بعداً کنستانتینوپل نام گرفت، منتقل گردید؛ اما در نهایت در زمان تئودوسیوس (۳۷۹-۳۹۵ م.) بود که تقسیم این امپراتوری به دو بخش رسمی، گردید. از زمانی که مرکز اصلی روم به کنستانتینوپل منتقل گردید درگیری‌های دولت ساسانی با امپراتوری روم شرقی بود. اصطلاح روم شرقی و یا امپراتوری بیزانس نیز در قرون جدید در متون تاریخی مورد استفاده قرار گرفت و از قرن نوزدهم رواج عمومی یافت. مردمی که نیز در بخش شرقی امپراتوری روم به مرکزیت کنستانتینوپل زندگی می‌کردند، خود را رومی می‌دانستند. در این مقاله به جای بیزانس و یا روم شرقی، روم به کار برده شده است، که منظور همان روم شرقی پس از بنای کنستانتینوپل است.

– کارکرد سیاسی و نظامی

چنانکه در منابع تاریخی آمده، هر کدام از امپراتوران روم که می‌توانستند بر اوضاع داخلی مسلط شوند، به فکر رویای دستیابی به فتوحات اسکندر می‌افتادند؛ بنابراین در راستای این هدف به شرق حمله می‌کردند. در دوران اشکانیان، استراتژی این شاهنشاهی بیشتر دفاعی بود؛ این در حالی بود که امپراتوران و سرداران رومی مانند تریانوس (۱۱۶ م)، وروس (۱۶۲ م)، کاسیوس (۱۶۴ م)، و سپتیمیوس سوروس امپراتور روم (۱۹۳-۲۱۱ م) که درصدد دستیابی به سرزمین‌های تحت تصرف اسکندر بودند، اولین هدف و گام خود را دست‌یابی به تیسفون ترسیم می‌کردند، که برخی از آنها نیز توانستند هر چند به صورت موقت به این شهر که پایتخت اشکانیان نیز بود، دست یابند. آنها برای دست‌یابی به این هدف، ابتدا در سوریه ساکن شده و انطاکیه را به عنوان مقر نظامی خود در حمله به ایران انتخاب می‌کردند (Sandwell, 2007: 35; Bouchier, 1921: 151; Libanius, 2000: 42). لایبانیوس در این باره می‌نویسد: امپراتوران روم اغلب انطاکیه را به عنوان محل اقامت بر می‌گزیدند و در آن جا شخصاً مسئولیت سپاه را بر عهده داشتند، بنابراین اهمیتی که امپراتوران رومی برای شهر انطاکیه قائل بودند، باعث شکوفایی این شهر شده است (Libanius, 2000: 42). اردشیر بابکان پس از این که بر اوضاع داخلی مسلط شد، حملاتی را در سال ۲۳۰ میلادی به سرزمین‌های روم تدارک دید. الکساندر سوروس امپراتور روم که وضعیت را چنین دید، در پاییز سال ۲۳۱ میلادی با سپاهی عظیم از روم به انطاکیه آمد. در این شهر پادگان‌های رومی بلاد شرقی و لشکریانی که در مصر بودند به وی پیوستند (Herodian, Book VI, 4.3). این درگیری به نتیجه‌ای برای دو طرف منجر نشد و بازمانده‌های لشکر امپراتور سوروس که از جنگ موفقیتی به دست نیاورده بودند، خود را به انطاکیه رساندند. چنان که هرودیان نیز گزارش کرده است، تلفات نبرد میان دو نیروی متخاصم تقریباً مساوی بوده، چنان که پس از آن چند سالی ایرانیان دست به سلاح نبردند و الکساندر سوروس نیز نیروهایش را در انطاکیه نگه داشت (Herodian, Book VI, 6.4-6). در این جا بایستی به موقعیت مهم و ژئوپلیتیکی انطاکیه اشاره کرد، چنان که از سویی به عنوان مکان و پایگاهی برای راه‌اندازی لشکرکشی به شرق و ساسانیان مورد استفاده قرار می‌گرفت و از دیگر سو، استحکام دژ این شهر را نشان می‌دهد که به عنوان محل امنی برای رومی‌ها به شمار می‌رفت، تا جایی که امپراتوران روم، این شهر را به عنوان مکان مناسبی برای بازگشت از لشکرکشی انتخاب می‌کردند، تا سپاهی جدید با نیرویی ضربتی برای حمله دیگر فراهم آورند؛ به همین دلیل می‌توان گفت این شهر محل ثقل سیاست خارجی روم

در شرق به شمار می‌رفت.^۱ بنابراین کارکرد این شهر به عنوان دژی برای دفاع از مرز شرقی رومی، اهمیتی سوق الجیشی داشت تا جایی که این سد مستحکم مانعی برای پیشروی سپاه ساسانیان به سوی غرب و قلمرو روم بود. علاوه بر آن، شهر انطاکیه به لحاظ موقعیت جغرافیایی در وضعیتی قرار گرفته بود که از سویی به دریای مدیترانه و از دیگر سو به مرزهای ایران نزدیک بود؛ همین عوامل نیز بر اهمیت نظامی و سیاسی این شهر می‌افزود. از سویی دیگر این شهر مهم مرزی از لحاظ سیاسی - نظامی برای ساسانیان نیز از اهمیت زیادی برخوردار بود؛ و به همین خاطر، شاهنشاهان ساسانی پس از مسلط شدن بر اوضاع داخلی به فتح انطاکیه مبادرت می‌ورزیدند. به گفته منابع یونانی - رومی و شرقی ساسانیان خود را جانشین هخامنشیان و احیا کننده‌ی شاهنشاهی ایشان می‌دانستند (Herodian, Book Dio Cassios, IX, Book LXXX, 21.1-3; VI, 2.1-2; طبری، ۱۳۷۵: ۵۸۰؛ نامه تفسیر به گشنسب، ۱۳۵۴: ۹۱)، در همین راستا آنان مدعی و خواستار سرزمین‌های پیشین تحت سلطه امپراتوری هخامنشیان که تا دریای مدیترانه را شامل می‌شد و در این زمان در قلمرو رومیان قرار داشت، شدند (Frendo, 2002: 25 - 36). این استراتژی، شهرهای سوریه از جمله شهر انطاکیه را نیز در بر می‌گرفت. چنان که شاهنشاهان قدرتمند این سلسله از جمله شاپور اول و دوم و خسرو اول و دوم، در مواقعی که می‌توانستند بر مشکلات داخلی فائق آیند، اقدام به تصرف این شهر می‌کردند. البته بایستی اشاره کرد که شهر مرزی انطاکیه در مواقعی که در ایران حکومت مرکزی قدرتمندی روی کار می‌آمد، گرایش بیشتری به تابعیت شاهنشاهی ایران داشت. چنان که در کتیبه پایکولی از چندین نجیب زاده سخن رفته که در بین آنها فرمانروایان شهرهای مختلف از جمله انطاکیه قرار دارد و نام فرمانروای انطاکیه، نرسی ذکر شده است. در ادامه آمده که هر کدام از این فرمانروایان یا خودشان یا فرستادگانی را با هدیه و نوشته نزد نرسی فرستادند (Humbach; Skjærvø, III. Conclusion §§ 93-95). لوکونین در این باره می‌نویسد: «نرسی ضمن پیکار خود به خاطر تخت و تاج، پشتیبانی استان‌های غربی کشور را که هم مرز با متصرفه‌های روم بودند، مورد نظر داشت، زیرا تنها حکومت مرکزی نیرومندی می‌توانست این استان‌ها را از هجوم لشکریان روم مصون دارد. نرسی در پیکار خود به خاطر تاج و تخت به همدردی و تا سر حد امکان به پشتیبانی شهرها و دولت‌های میانرودان از جمله انطاکیه امیدوار بود، زیرا این دولت‌ها میان دو

^۱ . باچیر در مورد اهمیت نظامی این شهر و استحکاماتی که داشت، در کتاب خود می‌نویسد: از نقطه نظر تاریخی هنگامی که رومی‌ها از طرف ساسانیان مورد تهدید قرار می‌گرفتند، انطاکیه به عنوان محل اقامت امپراتوران روم مانند کنستانتیوس (Constantius)، جولیان (Julian)، جوویان (Jovian) و والنس (Valens) انتخاب می‌شد (Bouchier, 1921: 151-153).

آتش قرار داشتند و همواره ممکن بود به امید به دست آوردن حسن نظر ایران و بدل کردن یکی از دشمنان به متحد خویش، به یاری ایران شتابند. نرسی از این پشتیبانی برخوردار گشت» (لوکونین، ۱۳۸۴: ۱۸۸). اهمیت ژئوپلیتیکی و سیاسی و نظامی که شهر انطاکیه داشت، در بعضی مواقع باعث شد که انطاکیه هدف اصلی لشکرکشی شاهنشاهان ایران از جمله قباد اول (Procopius, Book I, XVIII: 52-56) و انوشیروان قرار گیرد؛ چنان که مدت زیادی از دوران انوشیروان نگذشته بود که به روم اعلان جنگ داد. مؤلف کتاب زین‌الخبار علت این لشکرکشی را عهد شکنی امپراتور روم می‌داند (گردیزی، ۱۳۶۳: ۸۵) این در حالی است که مسعودی عهد شکنی را به انوشیروان نسبت می‌دهد (مسعودی، ۱۳۷۴: ۲۵۹). نویسندگان و مورخان در این باره علت‌های دیگری را نیز مطرح کرده‌اند.^۱ با این حال، پروکوپئوس (Procopius, Book I, XVIII: 52-56) که منبع معتبر ما در این حوزه می‌باشد و هم چنین منابع قرون اولیه اسلامی آورده‌اند که هدف خسرو از این لشکرکشی شهر انطاکیه بوده است (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۲۰۳؛ ابن العبری، ۱۳۷۷: ۱۱۶؛ بلعمی، ۱۳۷۸: ۶۸۵-۶۸۶). بنابراین در پس این لشکرکشی، می‌توان دستیابی به استراتژی مؤسس ساسانیان (اندیشه‌ی احیای مرزهای هخامنشی) را نیز مشاهده کرد؛ چنان که شیپمان می‌نویسد: «بعید نیست که خسرو خواسته باشد جای پای خود در کنار دریای سیاه فراهم آورد، تا روم را از این جا هم دچار دردسر کند و در تجارتي که در کنار دریای سیاه جریان داشت خود را سهیم کند» (شیپمان، ۱۳۸۴: ۶۱). پیگولوسکایا نیز رسیدن به دریای مدیترانه را از اهداف انوشیروان در تسخیر شهر انطاکیه می‌داند (پیگولوسکایا، ۱۳۹۱: ۶۳). بنابراین ایجاد پایگاهی در کنار دریای سیاه یا دریای مدیترانه می‌تواند در راستای برنامه خسرو، برای عملی کردن اندیشه‌ی احیای مرزهای هخامنشی باشد. به نظر می‌رسد که این سخن پروکوپئوس که می‌گوید، هدف خسرو تصرف مراکزی در بین‌النهرین نبود

^۱ . فردوسی و ابن‌اثیر اختلافات غسانی‌ها و لخمی‌ها را باعث حمله خسرو انوشیروان به سرزمین‌های شرقی روم می‌دانند (فردوسی، ۱۳۸۹: ۱۲۳-۱۴۵؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۶۱). پروکوپئوس اختلافات لخمی‌ها و غسانی‌ها را دلیل اصلی حمله خسرو انوشیروان به روم ندانسته، و معتقد است ارزیابی انوشیروان از افزایش قدرت روم به خاطر پیروزی‌هایی که در ایتالیا به دست آورده بود و خطر از سرگیری سیاست تهاجمی و توسعه‌طلبانه روم، باعث لشکرکشی ایرانیان علیه روم شده است (Procopius, Book II, I: 6-12). هر چند این گفته قابل تأمل است چنان که تأکید دارند که در این زمان فتوحات روم شرقی در آفریقا و ایتالیا به نحو دلگرم‌کننده‌ای قرین موفقیت بود و روم در یک قدمی احیای یکپارچگی و عظمت امپراتوری باستان قرار داشت؛ از خود ژوستینیان نیز مکتوبی به جا مانده است که آلبر ماله آن را در کتاب خود چنین نقل کرده است: «امیدواریم که خداوند موهبت خود را به ما ارزانی دارد تا ممالکی را که مردم روم قدیم داشتند تا کنار دو اقیانوس باز به دست آوریم». (ماله؛ ایزاک، ۱۳۱۱: ۴۵).

بلکه می‌خواست انطاکیه، هسته‌ی مرکزی روم در شرق را به دست آورد، (Procopius, Book I, XVIII: 52-56) تأکیدی بر این مدعا باشد.

– کارکرد اقتصادی – تجاری

از لحاظ اقتصادی – تجاری نیز کارکرد شهر انطاکیه در دوره ایران باستان به ویژه دوره ساسانی که همزمان با امپراتوری روم بود، قابل توجه است. چنانکه این شهر از شهرهایی است که در محدوده مبادلات بازرگانی ساسانیان با روم قرار داشت. راه کاروانی ابریشم از دوران باستان تا حدود قرن هشتم / چهاردهم، در دو قاره آسیا و اروپا (اوراسیا)، از چین تا مدیترانه، مورد بهره‌برداری تجاری بوده است. این شاهراه که از کشور چین شروع می‌شد، از فلات ایران می‌گذشت و پس از گذر از بین‌النهرین و شامات، به امپراتوری روم می‌رسید. این جاده به شعب یا شاخه‌هایی تقسیم می‌شد؛ که یک شاخه آن از اکباتان شروع و پس از گذشت از تیسفون به انطاکیه ختم می‌شد. در مسیر جاده ابریشم شهرهایی قرار داشتند که پس از مدتی سقوط یا تنزل کردند، چنان که با سقوط اسکندریه و هم‌چنین افول پالمیرا، بخش عمده‌ای از تجارت شرق دور ظاهراً در انطاکیه و سلوکیه متمرکز شد (Bouchier, 1921: 153). این در حالی بود که کالاهای غربی را بازرگانان انطاکیه یا سلوکیه کران دجله به شوش یا اکباتان حمل می‌کردند (بیکرمان، ۱۳۸۳: ۱۱۱). بنابراین طی قرون چهارم تا هفتم، انطاکیه هم چنان مرکز اقتصادی و تجاری مهمی به شمار می‌آمد، چنان که علاوه بر این که جاده‌های بازرگانی به انطاکیه ختم می‌شد؛ این شهر مرزی، مرکز سوریه و بازاری برای محصولات کشاورزی آن به شمار می‌آمد. در وسط این شهر یک سلسله کوه آهکی قرار دارد که روستاهای واقع در آن جا، مورد کاوش قرار گرفته و در کار چالنگو آمده است. کارهای باستان‌شناسان معمولاً بر تپه‌های آهکی حول انطاکیه تمرکز داشته است. محصولات به دست آمده از کوه آهکی که بیشتر روغن زیتون و شراب است، نیازهای شهرهای منطقه‌ای مثل انطاکیه، آپامی (Apamea، سمت راست رود ارونتس) و چالکیس (Chalcis، شهری در یونان) را برآورده می‌کند (Decker, 2007: 235). این عوامل و سود سرشاری که از طریق عوارض گمرگی، به سبب قرار گرفتن در سر راه ابریشم، و زیر نظر گرفتن مبادلات کالا و غیره حاصل می‌شد، دلایل اهمیت این شهر را برای رومی‌ها می‌رساند که حاضر نبودند، استیلای ساسانیان را هر چند به صورت موقتی و گذارا تحمل کنند و در بعضی مواقع حاضر بودند در ازای پرداخت باجی هنگفت، این شهر را از تصرف ایرانی‌ها در بیاورند (Procopius, Book II, XIII: 26-32; طبری، ۱۳۷۵: ۷۰۱). شهر انطاکیه از لحاظ اقتصادی – تجاری نیز برای حکومت ساسانی از اهمیت خاصی برخوردار بود؛ تا جایی که شاپور اول در لشکرکشی‌هایی که به غرب داشت، توانست شهرهای سوریه از جمله

انطاکیه را در دوران امپراتوران گردیانوس، فیلیپ و والرین به تصرف خود در آورد. این متصرفات جدا از اعتبار سیاسی و نظامی که برای شاپور و ساسانیان به همراه داشت، از جهت اقتصادی نیز حائز اهمیت بود؛ چنان که می‌توانستند از این شهر مرزی که نقش مهمی در مبادلات کالا در شرق و غرب داشت، غنائم زیادی به دست بیاورند. آمیانوس مارسلینوس شرحی از چگونگی تصرف انطاکیه را این گونه آورده است: «شهر به آتش کشیده شد بسیاری از مردم ... به قتل رسیدند، دشمنان شهر را غارت کردند و سوختند و با غنیمت‌های بسیاری و بدون برخورد با مانعی به سرزمین خویش بازگشتند» (Ammianus Marcellinus, XXIII, 5.1-4). پیگولوسکایا نیز در این باره می‌نویسد: «شاپور ضمن لشکرکشی‌های خویش به استان رومی، زبان فراوان وارد آورد و نیروهای مولد موجود در این اراضی را از حیز انتفاع ساقط نمود. از استان‌های مذکور اشیاء گران‌بهای فراوان، به ویژه زر و سیم بیرون برده شد و گروه‌های کثیری از اهالی به اسارت درآمدند و برای کار برده‌وار به ایران منتقل گردیدند» (پیگولوسکایا، ۱۳۸۷: ۲۳۴). در پس حمله نظامی خسرو انوشیروان به انطاکیه نیز عوامل اقتصادی نقش مهمی ایفا کرده‌اند (فرای، ۱۳۸۳، ۵۲-۵۳). چنان که آمده است که انطاکیه در دوره خسرو اول تسخیر و به شدت غارت شد (Greatrex and Lieu, 2005: 140)؛ پیگولوسکایا، ۱۳۹۱: ۱۲۸؛ گیرشمن، ۱۳۸۰: ۳۶۵. در واقع ساسانیان با دستیابی به این شهر می‌توانستند فشار بیشتری بر رومی‌ها آورده و آنها را حاضر به تن دادن به اجرای خواسته‌های خود کنند. بلعمی در این رابطه در کتاب خود می‌نویسد که پس از پیروزی‌های خسرو اول، امپراتور روم درخواست صلح کرد که انوشیروان در پاسخ گفت: «من صلح نکنم مگر بر آن شرط که این شهرها که گرفتم از شام و روم به دست من بود و باز ندهم و آن شهرها که مانده است، ترا فروشم». در ادامه می‌آورد که امپراتور با درخواست وی موافقت کرد (بلعمی، ۱۳۷۸: ۷۳۷). بدین صورت انطاکیه بار دیگر به تصرف ایرانیان افتاد، اما ظاهراً پس از گرفتن غنائم و مبلغی از روم این شهر را خالی کرده و به سرزمین خودشان بازگشتند. طبری نیز در کتاب خود آورده است که قیصر شهرهای روم را که به دست سپاه ایران گشوده شده بود را با مبالغی هنگفت خریداری کرد (طبری، ۱۳۷۵: ۷۰۱). این مطلب را پروکوپئوس نیز در کتاب خود آورده است؛ پس از این وقایع سفیران ژوستینیان به حضور شاهنشاه ایران آمدند و درخواست صلح کردند. به این شرط که سپاهیان خسرو به سرزمین خود برگردند و در مقابل روم متعهد شد نه تنها مبلغی یک جا، بلکه علاوه بر آن سالانه نیز ۵۰۰ پوند طلا به ایران بپردازد. بنابراین در انطاکیه اعلام متارکه جنگ کردند (Procopius, Book II, XIII: 26-32). گاهی اوقات، شاهنشاهان ساسانی پس از تصرف این شهر، جدا از دریافت باجی در ازای واگذاری شهر، به جابجایی جمعیت و انتقال اسرای رومی به قلمرو خود اقدام می‌کردند. شاهنشاهان ساسانی از

جمله شاپور اول و خسرو اول این اسرا را معمولاً به شهر جدیدالتأسیس و در مواردی در شهرهای دیگر که گنجایش پذیرش جمعیت را داشتند، انتقال می‌دادند (Procopius, Book II, XIII: 4-13; Huyse, 1999, Band 1: 22.30, 37-43). دریایی در کتاب «شاهنشاهی ساسانی» گرفتن اسیر را یکی از فعالیت‌های اقتصادی ساسانیان می‌داند و در ادامه می‌نویسد که پس از فتح هر شهری ایرانیان سعی می‌کردند که نیروهای مولد آن جا نظیر دانشمندان و صنعتگران آن شهر را به اسارت گرفته و به قلمرو خود انتقال دهند. اسیر گرفتن مهندسان، کارگران ماهر و صنعتگران رومی و انتقال آنها به شهرهای نوساز و قدیمی هم بر جمعیت شهرها می‌افزود و هم باعث آموزش کارگران ایرانی می‌شد (دریایی، ۱۳۸۳: ۱۱۳ و ۱۲۱). چنان که انوشیروان اسیران انطاکیه را در شهری جدید که به سبک همان شهر بود و توسط اسرای رومی در نزدیک تیسفون بنا شد، جای داد. پیگولوسکایا از این شهر به نام انطاکیه نزدیک (در مقابل انطاکیه دور یا شام) نام می‌برد (پیگولوسکایا، ۱۳۹۱: ۱۰۸). اکثر منابع اسلامی و غربی آن را ویه انتیوخ خسرو (به از انطاکیه خسرو یا انطاکیه خسرو) نام نهاده‌اند (اصفهانی، ۱۳۴۶: ۵۵؛ Procopius, Book II, XIV: 2-8). بنابراین ایجاد شهرهای جدید توسط ساسانیان از سویی باعث توسعه صنایع جدید و شکوفایی پیشه‌ها می‌گردید (شیپمان، ۱۳۸۴، ۹۶) و از دیگر سو اسرای انتقالی به این شهرها باعث رونق گرفتن وضعیت اقتصادی کشور و ایجاد شغل و حرفه‌های متنوع می‌شد. به این موارد می‌توان به سود سرشاری که از طریق مالیات گیری از شهرها، نصیب دولت ساسانی می‌شد، و اجرای الگوهای شهری رومی - سوری در شاهنشاهی به وسیله آسرا (Chaumont, 1986, Encyclopaedia Iranica.org)، نیز اشاره کرد. گاهی اوقات شاهنشاهان ایران از آسرای که از تصرف انطاکیه به دست می‌آوردند، استفاده‌های سیاسی دیگری نیز می‌کردند، چنان که انوشیروان با فرستادن تعدادی از این اسرا به متحدان شرقی خود از جمله ترک‌ها، سعی در پیوستگی این قدرت‌ها با شاهنشاهی ایران داشت. چنان که آمده است در اواخر دوره خسرو انوشیروان در سال ۵۷۳ میلادی بار دیگر انطاکیه مورد حمله ایرانیان قرار گرفت، بدین صورت که ایرانیان به همراهی قابوس نامی امیر حیره، شهر انطاکیه را مورد غارت قرار دادند. آذر ماهان سردار ایرانی در این یورش دویست و نود دو هزار اسیر گرفت و آنان را به ایران انتقال داد. مورخان رومی می‌نویسند که دولت ایران از میان ایشان دو هزار از دوشیزگان رومی را جامه‌های فاخر پوشانیده، نزد خاقان ترک که به تازگی با ایران متحد شده بود، فرستادند. آن دوشیزگان چون در کنار رودی به مرز کشور ترکان رسیدند از جان خود گذشته، خود را در آب رود انداختند. بعد از این واقعه که باعث سرشکستگی رومیان بود، امپراتور روم مارسیان (سردار رومی) را معزول کرد و آکاسیوس (Acacius) را در سال ۵۷۴ به جای او

منسوب نمود (Greatrex and Lieu, 2005: 150). در دوران قباد ایرانیان غنائم زیادی را در حمله به انطاکیه به دست آوردند. در اواخر سلطنت قباد، سپاهیان ایران به فرماندهی آزارتس (Azarethes) که منذر امیر حیره نیز وی را همراهی می‌کرد، به قصد تسخیر انطاکیه به روم هجوم بردند. چنان که نیروهای متحد ایران به حومه انطاکیه رسیده و در طی مبارزات سالانه ای که با ارتش رومی انجام دادند، توانستند غنائمی از جمله برده را گرفته و آن جا را مورد تاراج قرا داده و برگردند. (Wallace-Hadrill, 2008:10). قباد به خاطر این که این لشکرکشی به فتح انطاکیه منجر نشده بود، سردار ایرانی را مورد نکوهش قرار داد (Procopius, Book I, XVIII: 52-56).

- کارکرد دینی - مذهبی

انطاکیه از لحاظ حفظ سنن یونانی- رومی و هم از لحاظ مذهبی (پس از مسیحیت شدن روم) نیز شهری حائز اهمیت برای روم به شمار می‌رفت؛ چنان که این شهر یکی از قدیمی‌ترین مراکز مسیحیت بود؛ در کتاب اعمال رسولان، انطاکیه به عنوان اولین مکان مسیحی که مورد استفاده قرار گرفته، نام برده می‌شود (Jerome Callan, xi: 26). در این شهر جمعیت زیادی از یهودیان بودند که در بخشی از شهر به نام کریتین (Kerateion) سکنی داشتند؛ این منطقه قدیمی‌ترین مسیونرهای مسیحی را به خود جذب کرده بود (Jerome Callan, xi:19). در رابطه با اهمیت مذهبی انطاکیه بایستی گفت که در نیمه اول قرن چهارم میلادی کلیسای در انطاکیه ساخته شده بود و اکثریت جمعیت را پیروان مسیحیت تشکیل می‌داد. پس از مدتی این شهر با مجادلات مذهبی حاصل از بدعت آریانوس مواجه شد. (اولین بار در سال ۳۲۴ در انطاکیه بود که بحث آریان شکل گرفت؛ Downey, 1963: 145). به طوری که انطاکیه صحنه تشکیل شوراهای مختلف شد تا آنها را حل و فصل کند (Bouchier, 1921: 153) که در نهایت شورای کلیسای انطاکیه، پیشنهاد شورای نیکیه (Nicaea) را برای حل اختلاف داد. این شورا در سال ۳۲۵ میلادی به ریاست کنستانتین برگزار شد که از آن به منظور فرمانی علیه بدعت آریوس استفاده شد. (Downey 1963: 145). پس از مدتی نیز اولین شورای بزرگ در سال ۳۴۱ میلادی به مناسبت کلیسای بزرگ کنستانتین در انطاکیه برگزار شد (Sandwell, 2007: 36). علاوه بر آن، انطاکیه به عنوان جایگاه یکی از پنج بطریق (Patriarchates) اصلی به همراه قسطنطنیه، اورشلیم، اسکندریه و رم به شمار می‌رفت، که این عامل نیز بر اهمیت مذهبی این شهر افزوده بود. در اوایل قرن پنجم میلادی، کشیشی مسیحی به نام نسطوریوس که در انطاکیه سکنی داشت، واضح نظریه ایی جدید در دین مسیحی شد که به نام آیین نسطوری شهره گشت (نسطوری ها بر این باورند که در عیسی دو

طبیعت وجود داشت؛ این عامل باعث شد، دو دستگی‌هایی در اوایل قرن پنجم میلادی در دین مسیحیت به وجود آید (برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: Young and Teal; 2010, From Nicaea to Chalcedon همین عامل باعث شد نسطوریان به ایران مهاجرت کنند تا خود را از سیطره روم شرقی برهانند. در نتیجه این سیاست، آنها با دولت ساسانی هم سو شدند. چنانکه در سال ۴۸۴ میلادی، در پایان سلطنت پیروز، شورایی در جندی شاپور برپا شد که ضمن آن مذهب نسطوری اساس اعتقادات کلیسای مسیحی ایران شد (شپیمان، ۱۳۸۴: ۴۹). این عمل اهمیت و تأثیرگذاری مذهبی این شهر را در روزگار باستان نشان می‌دهد. از سویی دیگر بایستی گفت که انطاکیه به عنوان مرکزی برای اشاعه فرهنگ هلنیسم نیز در این دوران مطرح بود. در واقع سلوکوس مؤسس این شهر، در راستای طرح هلنیزه کردن منطقه به تأسیس شهر انطاکیه دست زد (Sandwell, 2007: 34) که تا حدودی نیز به هدفش رسید. سپس در زمان برخی از امپراتوران روم به خاطر همین هلنیزه کردن و احیای سنن یونانی و رومی، این شهر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار گشت و چون که در سر راه‌های تجاری قرار داشت، می‌توانست مرکزی برای اشاعه فرهنگ و تمدن یونانی و رومی باشد. ژولیان امیدوار بود که از بقایای فرهنگ یونانی- رومی در این شهر برای احیای سنت‌ها و مذاهب یونانی و رومی استفاده کند. مردم شهر واکنش مطلوبی به وی نشان ندادند و وی از تصمیم خود منصرف گردید. سرانجام او در مارس سال ۳۶۳ میلادی، شهر انطاکیه را برای لشکرکشی علیه ایرانیان ترک کرد، و قول داد دیگر به این شهر باز نگردد (برای اطلاعات بیشتر درباره اقدامات ژولیان در انطاکیه بنگرید به: Downey 1963: 162-75). این شرایط بالقوه انطاکیه برای احیای سنن و فرهنگ یونانی- رومی مانع از نفوذ فرهنگ ایرانی در این شهر نشد. چنان که منابع از نفوذ فرهنگ ایرانی در آنجا نیز سخن رانده‌اند (گارسویان، ۱۳۸۳: ۶۹۷؛ هارپر، ۱۳۸۱: ۶۷۹). با توجه به اهمیت انطاکیه به عنوان مرکزی برای احیای سنن یونانی - رومی، لایبِنوس کتابی را با عنوان *انطاکیه مرکز فرهنگ هلنی*، به رشته تحریر در آورده است. شهر انطاکیه از لحاظ دینی - مذهبی برای حکومت ساسانی نیز حائز اهمیت بود؛ چنان که ساسانیان پس از تصرف این شهر، به اجرای اقدامات مذهبی در شهر انطاکیه مبادرت می‌نمودند؛ چنان که کرتیر در کتیبه کعبه زردشت جدا از نام بردن سرزمین‌های متصرفی از جمله انطاکیه به شاهنشاهی ایران، به ساخت آتشکده‌هایی در این شهر اشاره می‌کند: «و من (کرتیر)، از ابتدا تاکنون برای ایزدان و فرمانروایان و برای روان خویش رنج‌ها و زجرهای بسیار کشیدم، و من شمار زیاد آتش‌ها و مغان را در ایران‌شهر کامیاب کردم و نیز من آتشکده‌ها و مغ مردان ایران‌شهر را که در انیران شهر بودند، تا جایی که اسب و مرد شاهنشاه می‌رسید: شهر انطاکیه و شهر سوریه و آن چه پیرامون سوریه است و شهر های ... که شاپور شاه

شاهان با اسب و مرد خویش غارت و سوزاند و ویران کرده بود، در آن جا نیز به فرمان شاه شاهان و مغ مردان و آتشکده‌ها را که در آن شهرها بودند، بازسازی کردم» (Huysse, 1998: 35.45, 58-59).

مسعودی نیز در کتاب خود به ساخت آتشکده توسط ایرانیان در انطاکیه اشاره می‌کند: «معبد انطاکیه بنام دیماس معروف است، گویند دیماس را ایرانیان هنگام تسلط بر انطاکیه ساخته‌اند و از جمله آتشکده‌های ایشان بوده است» (مسعودی، ۱۳۷۴: ۶۱۱). بنابراین می‌توان گفت با توجه به گفته کرتیر، احتمالاً شاپور اول با این تدبیر می‌خواست این مناطق را به صورتی استوارتر به دولت ساسانی بپیوندد و در قلمرو خود جای دهد (Dignas; Winter, 2007: 213). این در حالی است که به نظر می‌رسد که تسلط ایرانیان بر انطاکیه موقتی بوده است؛ چرا که از سویی اقدامات لشکریان ایران در زمان شاپور اول و دوم و نیز قباد اول، خسرو اول و دوم پس از تصرف شهر، حاکی از به دست آوردن غنایم هنگفت و انتقال جمعیت آن جا و واگذاری شهر در ازای دریافت باجی از دولت روم به ایران حکایت دارد و از دیگر سو رویدادهای زمان شاهنشاهان بعدی، نشانی از تسلط ساسانیان بر این شهر به دست نمی‌دهد. علاوه بر این عواملی چون نزدیکی این شهر به روم و دوری از پایتخت ساسانیان و ضعف شاهنشاهانی که به سلطنت نشستند را باید اضافه کرد.

۵. نتیجه

در تقابل طولانی روم از یکسو و ساسانیان از سوی دیگر تسلط بر شهری مرزی انطاکیه که میراثی از گسترش فرهنگ شهر نشینی سلوکیان در سوریه بود، حائز اهمیت گردید. این شهر از ساختی شطرنجی برخوردار بود و قابل گسترش از هر سوی بود و در طراحی شهری از شهرهای کم هزینه و در عین حال مستحکم به شمار می‌رفت. موقعیت ژئوپلیتیکی این شهر و به تبع آن اهمیت سیاسی- نظامی، اقتصادی- تجاری و مذهبی آن را در شرایطی متمایز نسبت به سایر شهرهای مرزی قرار داد.

رومیان با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی که انطاکیه داشت، از این شهر به عنوان پایگاه خود علیه شرق و محلی برای تجدید قوای نیروها استفاده می‌کردند. چنان که هنگامی که این شهر بر اثر زلزله و حملات ساسانی‌ها تخریب یا تسخیر می‌شد، سریع به بازسازی شهر می‌پرداختند، گرچه در این راه متحمل هزینه‌های گزافی می‌شدند. بدین صورت در مقابل سواحل خلیج فارس که در دست ساسانیان بود، رومی‌ها درصدد بودند که نقاط اتکاء مستحکم را در دریای مدیترانه از دست ندهند علاوه بر این انطاکیه در مسیر راه بزرگ ابریشم بود، چنان که یکی از شعب فرعی این راه که از شرق به غرب امتداد

می‌یافت، به این شهر منتهی می‌شد و محل انتقال کالاهای غربی نیز از این شهر به شرق بود، که رونق تجاری امپراتوری روم در مبادلات بازرگانی به دنبال داشت. در مواردی نیز عواید حاصل از رونق تجاری، برای تجهیز سپاهیان و توسعه عملیات نظامی به سوی شرق به کار می‌رفت. هم‌چنین از جهت مذهبی نیز این شهر از جمله شهرهای مهم مسیحی بود که با توجه به امتیازی که به دلیل رفت و آمد بازرگانان دو کشور داشت، می‌توانستند به تبلیغ این آیین بپردازند و باعث ترویج و انتقال مسیحیت در ایران شوند. در این راستا اقدامات شاپور اول و خسرو اول که اسرای این شهر را به ایران انتقال دادند، قابل توجه است. از دیگر سو ساسانیان به دلایلی از جمله احیای مرزهای هخامنشی و دست یافتن به سود سرشار از مبادلات کالاهایی که در این شهر انجام می‌شد، درصدد دست‌یابی به این شهر مهم مرزی بودند؛ علاوه بر این، می‌توان به عواملی دیگر مانند دست‌یابی به دریای مدیترانه، نزدیکی به قلب سرزمین روم، استفاده از نیروی مولد این شهر و نیز به عنوان مرکزی که کلید فتح شمال منطقه سوریه به حساب می‌آمد، نیز اشاره کرد که ساسانیان سیاست تسلط بر این شهر را در دایره رقابت‌های طولانی با روم دنبال می‌کردند. چنان‌که تسخیر انطاکیه در زمان پادشاهان قدرتمندی مانند شاپور اول، شاپور دوم، خسرو اول و خسرو انوشیروان در راستای تحقق چنین اهدافی عملی گردید.

منابع

- ابن‌اثیر، عزالدین علی، ۱۳۷۱. *تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ج چهارم و پنجم*، ترجمه: عباس خلیلی، ابوالقاسم حالت، تهران، مؤسسه مطبوعات علمی.
- ابن‌العبری، ۱۳۷۷. *مختصر تاریخ الدول*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، چ اول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب، ۱۳۷۱. *تاریخ یعقوبی*، ج اول، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- اصفهانی، حمزه بن حسن، ۱۳۴۶. *تاریخ پیامبران و شاهان (سنی ملوک الارض و الانبیاء)*، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- الچیبگیان، ژاسمن، ۱۳۸۲. *ارمنستان و سلوکیان*، ترجمه گارون سارکسیان، تهران، نائیری.
- بلعمی، ابوعلی، ۱۳۷۸. *تاریخنامه طبری*، ج دوم، به تصحیح محمد روشن، تهران، سروش.
- بیکرمان، الیا ژوزف، ۱۳۸۳. «دوره سلوکی» تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی، گردآوری احسان یاشاطر، ترجمه: حسن انوشه، جلد سوم - قسمت اول، تهران، امیرکبیر.
- پیگولوسکیا، نینا ویکتوروونا، ۱۳۸۷. *شهرهای ایران: در روزگار پارتیان و ساسانیان*، ترجمه عنایت الله رضا، تهران، علمی و فرهنگی.

- _____، ۱۳۹۱. *ایران و بیزانس در سده های ششم و هفتم میلادی*، ترجمه کامبیز میر بهاء، تهران، ققنوس.
- جوزجانی، منہاج الدین سراج، طبقات ناصری، (۱۳۶۳)، طبقات ناصری، ج اول، به تصحیح عبدالحی حبیبی، چاپ اول، تهران، دنیای کتاب.
- دریایی، تورج. ۱۳۸۳. *شاهنشاهی ساسانی*، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: ققنوس.
- شیپمان، کلاوس، ۱۳۸۴. *مبانی تاریخ ساسانیان*، ترجمه کیکاوس جهان‌داری، تهران، نشر پژوهش فرزاد روز.
- طبری، محمدبن جریر، ۱۳۷۵. *تاریخ طبری یا تاریخ الرسل و الملوک*، ج ۲، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر.
- فرای، ز. ن، ۱۳۸۳. «*تاریخ سیاسی ایران در دوره ساسانیان*»، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی، ترجمه حسن انوشه، پژوهش دانشگاه کمبریج، گردآورنده احسان یارشاطر، جلد سوم - قسمت اول، تهران، امیرکبیر.
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۸۹)، *شاهنامه*، جلد هفتم، به کوشش جلال خالقی مطلق، تهران، مرکز دائرة المعارف اسلامی.
- گارسویان، نینا ۱۳۸۳. «*بیزانس و ساسانیان*»، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی، ترجمه: حسن انوشه، پژوهش دانشگاه کمبریج، گردآورنده احسان یارشاطر، جلد سوم - قسمت اول، تهران، امیرکبیر.
- گردیزی، ابی سعید عبد الحی بن الضحاک، (۱۳۶۳)، *زین الاخبار*، تهران، دنیای کتاب.
- گیرشمن، رومن، ۱۳۸۰. *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه دکتر محمد معین، تهران، علمی و فرهنگی.
- لوکونین، ولادیمیر گریگوریویچ (۱۳۸۴)، *تمدن ایران ساسانی*، ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران، علمی فرهنگی.
- لینچ، کوین، ۱۳۸۱. *تئوری شکل شهر*، ترجمه سید حسین بحرینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ماله، آلبر؛ ایزاک، ژول، ۱۳۱۱. *تاریخ قرون وسطی تا جنگ صد ساله*، ترجمه میرزا عبدالحسین خان هژیر، تهران؛ کمیسیون معارف.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، ۱۳۶۵. *التنبيه و الإشراف*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج دوم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- _____، ۱۳۷۴. *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ج اول، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- نامه تنسر به گشنسپ ۱۳۵۴. تصحیح مجتبی مینوی، با همکاری محمد اسماعیل رضوانی، تهران: خوارزمی.
- مجمّل التواریخ و القصص، (بی تا)، به تصحیح ملک الشعراء بهار و بهجت رضانی، چاپ دوم، تهران، کلاله خاور.
- هارپر، پرودانس، ۱۳۸۱. «*قره ساسانی*» تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی، (جلد سوم قسمت دوم)، ترجمه حسن انوشه، پژوهش دانشگاه کمبریج، گردآورنده احسان یارشاطر، تهران، امیرکبیر.

- Ammianus Marcellinus, 1950, *Roman History*, V I,II,III, Translated by J. C. Rolfe, (Loeb Classical Library).
- Bouchier, E. S, 1921, *A Short History of Antioch, 300 B C -A D 1268*, Oxford, BASIL Blackwell.
- Chaumont, M. L. *Antioch*(1), Encyclopaedia Iranica (online).
- Decker, Michael, 2007, *Frontier Settlement and Economy in the Byzantine East*, *Dumbarton Oaks Papers*, Vol. 61 2007, pp. 217-267.
- Dignas (B.), Winter (E.), 2007, *Rome and Persia in Late Antiquity: Neighbours and Rivals*, Cambridge and New York, Cambridge University Press .
- Dio Cassius. 1927. *Roman History*, Vol. IX (Books 71-80), Loeb Classical Library (No.177): London and New York.
- Dodgeon, Michael H and Lieu S.N.C, 2005, *The roman eastern frontier and the Persian wars(AD226-363)*, Part I, Routledge, London and New York.
- Downey, G. 1963, *Ancient Antioch*, Princeton: Princeton University press, N.j.
- Frendo, D.(2002), "*Dio Cassius and Herodian on the first sasanian offensive against the Eastern provinces of the Roman empire(229-232)*", *Bulletin of the Asia Institute*, Vol.16.(pp.25-36)
- Greatrex, G., & Lieu, S.N.C.(2005), *The Roman Eastern Frontier and the Persian Wars, Part II (A.D. 363-630)*, routledge, London and New York.
- Herodian. 1970. *History of the Empire*, Vol.II (Books 5-8), Loeb Classical Library (No.455): London and New York.
- Humbach, H; Skjærvø, P, 1983, *The Sassanian inscription of Paikuli, Part 3.1*, Wiesbaden, Reichert Verlag.
- Huyse, Philip 1998. "*Kerdir and the first Sasanians*". In Nicholas Sims-Williams (ed.). *Proceedings of the Third European Conference of Iranian Studies. 1*. Wiesbaden. pp. 109–120.
- Huyse, Philip 1999, *Die dreisprachige Inschrift Šābuhrs I. an der Ka ħa-i Zardušt (ŠKZ)*, Band I, Londres, SOAS, (Corpus Inscriptionum Iranicarum. Part III. Pahlavi Inscriptions).
- Jerome Callan, Charles, *The Acts of the Apostles: With a practical critical commentary for priests and students*, 1919, Bookseller: Fairandfast, New York & London, J.F. Wagner.
- Josephus , Flavius ; Mason, Steve; Chapman, Honora, 2008, *Flavius Josephus : translation and commentary*, Translated by Steve Mason, Honora Chapman, - Vol. 1b, Judean war 2, Leiden ; Boston : Brill.
- Justin, Cornelius Nepos, and Eutropius: *Literally Translated*, 1853, with Notes and a General Index. By Rev. John Selby, M.A. Watson, Henry G. Bohn, London.
- Libanius, 2000, *Antioch as a Centre of Hellenic Culture*, A.F. Norman (ed., trans., comm.), Liverpool University Press - Translated Texts for Historians.
- Malalas, J. 1986, *The Chronicle Jon Malalas*, A Translation by Elizabeth Jeffreys, Michael Jeffreys and Roger Scott with Brian Croke, Jenny

- Ferber, Simon Franklin, Alan James, Douglas Kelly, Ann Moffatt, Ann Nixon, Melbourne 1986, Australian National University, Canberra.
- Morello E., Ratti C, 2007, "*Raster Cities: image processing techniques for environmental urban analysis*", in Thwaites K., Porta S., Romice O. , M. Greaves (editors), *Urban Sustainability through Environmental Design: approaches to time, people and place responsive urban spaces*, Spon Press, London, UK, pp. 119-122.
- Najim, Fr. Michel and Frazier, T.L. *ANTIOCH A Brief History of The Patriarchate of Antioch*, [http : // www . stnicholasla. Com / frmichel / ANTIOCH history Encyclopedia. pdf](http://www.stnicholasla.com/frmichel/ANTIOCH%20history%20Encyclopedia.pdf).
- Procopius, 2005, *History of the Wars: The Persian War*, translate H. B. Dewing, E-text prepared by Jonathan Ingram, jayam, and the Project Gutenberg Online Distributed Proofreading Team ([http : // www . pgdp .net/](http://www.pgdp.net/))
- Raffaella Cribiore, 2007, *The School of Libanius in Late Antique Antioch*. Princeton: Princeton University Press.
- Sandwell, Isabella, 2007, *Religious Identity in Late Antiquity: Greeks, Jews and Christians in Antioch (Greek Culture in the Roman World)*, New York: Cambridge University Press.
- Strabo, 1928, *The Geography of Strabo*, published in Vol. V , of the Loeb Classical Library edition.
- Wallace-Hadrill, 2008, *D. S. Christian Antioch: A Study of Early Christian Thought in the East*, Cambridge University Press.
- Young, F. M., & Teal, A. 2010, *From Nicaea to Chalcedon: A guide to the literature and its background*, Grand Rapids, Mich, Baker Academic.
- Zetterholm, Magnus, 2003, *The Formation of Christianity In Antioch*, London and New York, Taylor & Francis e-Library, 2003.